

اقتصاد بین‌الملل



تجارت ایران و انگلیس به ۸۱ میلیون دلار رسید

وزارت تجارت و بازرگانی انگلیس از رشد ۱۶ درصدی صادرات این کشور به ایران در ۱۰ ماهه سال جاری میلادی خبر داد و کل تجارت دو کشور در این دوره را ۸۱ میلیون دلار اعلام کرد. به گزارش «ایران اقتصادی»، وزارت تجارت و بازرگانی انگلیس در جدیدترین آمار خود اعلام کرد مبادلات تجاری این کشور با ایران در ۱۰ ماهه سال جاری میلادی به ۶۵ میلیون پوند برابر با ۸۱ میلیون دلار رسیده است. مبادلات ایران و انگلیس در ماه‌های ژانویه تا اکتبر ۲۰۲۳ با رشد ۱۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده است. مبادلات دو کشور در ماه‌های ژانویه تا اکتبر سال قبل بالغ بر ۵۹ میلیون پوند اعلام شده بود.

واردات انگلیس از ایران در ۱۰ ماهه نخست سال جاری میلادی ۱۴ میلیون پوند معادل ۱۸ میلیون دلار بوده که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل یک میلیون پوند کاهش داشته است. اما صادرات انگلیس به ایران در ماه‌های ژانویه تا اکتبر ۲۰۲۳ رشد ۱۶ درصدی داشته و به ۵۱ میلیون پوند برابر با ۶۳ میلیون دلار رسیده است. انگلیس در مدت مشابه سال قبل ۴۴ میلیون پوند کالا به ایران صادر کرده بود. طبق این گزارش این آمار مربوط به مبادلات کالایی بین دو کشور است در حالی که بخش مهمی از مبادلات دو کشور مربوط به تبادل خدمات بین دو کشور است. در سال میلادی گذشته ارزش کل تجارت دو کشور شامل کالا و خدمات ۶۹۶ میلیون پوند اعلام شده است.



تولید نفت ایران به مرز ۳٫۲ میلیون بشکه در روز رسید

آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد، تولید روزانه نفت ایران در یازدهمین ماه سال جاری میلادی ۹۰ هزار بشکه افزایش یافته و به مرز ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

به گزارش «ایران اقتصادی»، آژانس بین‌المللی انرژی در جدیدترین گزارش ماهانه خود از بازار نفت جهان، کل تولید نفت اوپک در یازدهمین ماه سال میلادی جاری را ۲۸ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز اعلام کرده است. مجموع تولید نفت ۱۳ عضو اوپک در نوامبر ۲۰۲۳ نسبت به ماه قبل از آن ۱۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داشته است. ایران بیشترین افزایش تولید نفت در اوپک را ثبت کرد بر اساس این گزارش تنها ۴ عضو اوپک از جمله ایران در نوامبر امسال تولید نفت خود را افزایش داده‌اند و ایران در این میان بیشترین افزایش تولید را داشته است. تولید روزانه نفت خام ایران در نوامبر ۲۰۲۳ نسبت به ماه قبل از آن ۹۰ هزار بشکه افزایش یافته و به ۳ میلیون و ۱۹۰ هزار بشکه در روز رسیده است. ایران در ماه اکتبر ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز نفت تولید کرده بود. تولید نفت عربستان نیز در نوامبر امسال ۱۰ هزار بشکه افزایش یافته و به ۹ میلیون بشکه در روز رسیده است. ونزوئلا به‌رغم رفع تحریم‌های آمریکا نتوانسته تولید نفت خود را بیش از ۲۰ هزار بشکه افزایش دهد. تولید نفت این کشور در نوامبر به ۸۰۰ هزار بشکه در روز بالغ شده است. کویت نیز تولید خود را در این ماه ۳۰ هزار بشکه در روز افزایش داده است. تولید نفت کشورهای آنگولا، عراق، کنگو و نیجریه نیز در ماه نوامبر کاهش یافته و ۵ عضو دیگر اوپک تغییری در میزان تولیدشان نسبت به ماه قبل نداشته‌اند.

اروپا

بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا در مسیر رکود

تحقیقات جدید نشان می‌دهد، با توجه به کاهش فعالیت‌های تولید و خدماتی، مسیر نزولی اقتصاد آلمان در ماه جاری میلادی بدتر شده و به رکود در بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا در پایان سال اشاره دارد. به گزارش «ایران اقتصادی»، شاخص ترکیبی مدیران خرید آلمان که توسط گلوبال اس‌اند پی جمع‌آوری شده است، برای ششمین ماه متوالی در ماه دسامبر به ۴۶٫۷ درصد کاهش یافته است. این رقم در ماه نوامبر برابر با ۴۷٫۸ بود که از رقم ۴۸٫۲ درصد پیش‌بینی اقتصاددانان کمتر است. این ارقام زمانی که به کمتر از ۵۰ برسد نشان از کاهش فعالیت‌های تجاری دارد. شاخص ترکیبی مدیران خرید، بخش‌های خدمات و تولیدی را که مجموعاً بیش از دو سوم اقتصاد آلمان را تشکیل می‌دهند، دنبال می‌کند. اقتصاد آلمان در سه ماهه سوم امسال کاهش یافت. دو سه ماهه کاهشی متوالی به معنای رکود فنی است. براساس این تحقیقات، فعالیت‌های تجاری در بخش خدمات برای سومین ماه متوالی کاهش یافته و از ۴۹٫۶ در ماه نوامبر به ۴۸٫۴ درصد در ماه دسامبر افت کرده است که کمتر از پیش‌بینی تحلیلگران برابر با ۴۹٫۸ درصد است. شاخص مدیران خرید تولید (سطح فعالیت مدیران خرید در بخش تولید) از ۴۲٫۶ در ماه نوامبر به ۴۳٫۱ در ماه دسامبر افزایش یافته اما اندکی کمتر از انتظار تحلیلگران یعنی ۴۳٫۲ درصد است و هنوز در منطقه کاهشی قرار دارد. ثبت سفارش‌های جدید در این بخش همچنان روند کاهشی را با سرعت ادامه می‌دهد. طبق گزارش فارس از رویترز، در عین حال، فشارهای تورمی در پایان سه ماهه چهارم افزایش یافته است به طوری که شرکت‌ها در بنبوه رشد قابل توجه متوسط هزینه‌ها، بیشترین افزایش قیمت تولیدات در ۷ ماه گذشته را گزارش می‌کنند.



در بلندمدت مدیریت و ثبات نرخ ارز و حفظ قدرت رقابتی کشور، در گرو کنترل نرخ تورم است. همان‌طور که به خوبی می‌دانیم، برای کنترل تورم نیاز به سیاست پولی مناسب و قابل اعتماد بانک مرکزی است. اما واقعیت‌های آشکار شده چند دهه اخیر نشان می‌دهد بانک مرکزی نتوانسته با اجرای قواعد استوار پولی، تورم را به صورت پایدار کاهش دهد



علی حسن پور / ایران

حذف بازیگران مجازی تعیین نرخ در بازار ارز

بانک مرکزی باید با افزایش اعتبار سیاستی خود، مانور و بازیگری سایت‌های تعیین‌کننده نرخ ارز را که همواره از آنها برای افزایش التهاب بازار ارز گله‌مند است، کاهش دهد

تحلیل

ناصر خیابانی

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

مدیریت اقتصاد در شرایط بحران با شرایط عادی متفاوت است، بنابراین باید هوشمندتر به موضوع نگاه کنیم. مطالعات نشان می‌دهد یکی از بحث‌هایی که باعث شده اقتصاد ما دچار نوسانات شدید شود، تلاطم شدید بازار ارز است. بنابراین باید ابتدا منابع اصلی این نوسان و التهاب را شناسایی کنیم. نرخ ارز ما در طول چند دهه گذشته هم تحت تأثیر عوامل بنیادی شدید بوده و هم تحت تأثیر شوک‌های خارجی. بنابراین به نظرمی‌رسد اگر اثر شوک‌های خارجی را ناشی از تحریم و روابط بین‌الملل بدانیم تا زمانی که این روابط بین‌الملل به یک ثبات

مشخص نرسد، ما با این نوسانات و تلاطم‌ها مواجه خواهیم بود. با این منطق به نظر می‌رسد که سیاست‌های ثبات‌ساز در روابط خارجی بحث کلیدی است که باید پیگیری شود وگرنه عبور از مشکلات اقتصادی بسیار سخت خواهد بود.

نکته بعدی اینکه هم‌اکنون نظام ارزی ما یک نظام ارزی چندگانه ارزی شامل نرخ بازار آزاد، نرخ مرکز مبادله ایران و... است. اولین بحث این است که نرخ تعادلی ارز بر اساس عوامل بنیادی اقتصاد چقدر است؟ به عنوان مثال اگر نرخ تعادل ارزی را نزدیک به نرخ مرکز مبادله بدانیم، بانک مرکزی باید بتواند با افزایش دامنه نفوذ خود در بازار ارز و همچنین با افزایش اعتبار سیاستی خود، مانور و بازیگری سایت‌های تعیین‌کننده نرخ ارز را که همواره از آنها برای افزایش التهاب بازار ارز گله‌مند است، کاهش دهد و از سوی دیگر نرخ‌های ارزی دستوری پایین‌تر از این نرخ را که جز توزیع رانت و اختلال در بازارها

سود دیگری نداشته است، بتدریج افزایش داده و به نرخ تعادلی ارز نزدیک کند. شاید این گشایش‌های کوتاه‌مدت ارزی که به نظر می‌رسد حداقل در کوتاه‌مدت توانسته تا اندازه‌ای انتظارت شکل گرفته شده در بازار ارز را کنترل کند، فرصت مناسبی را برای بانک مرکزی به منظور افزایش توان قدرت مدیریت پولی و ارزی فراهم کرده باشد. مشروط بر اینکه کاهش التهاب‌های سیاسی دوباره خدشه‌دار نشود زیرا هر خبر منفی در این راستا می‌تواند دوباره با افزایش انتظارات، بازار ارز را ملتهب سازد.

نکته دیگر اینکه در بلندمدت مدیریت و ثبات نرخ ارز و حفظ قدرت رقابتی کشور، در گرو کنترل نرخ تورم است. همان‌طور که به خوبی می‌دانیم، برای کنترل تورم نیاز به سیاست پولی مناسب و قابل اعتماد بانک مرکزی است، اما واقعیت‌های آشکار شده چند دهه اخیر نشان می‌دهد بانک مرکزی نتوانسته با اجرای قواعد استوار پولی، تورم

فرار سرمایه، قاچاق و... دارد و آیا این اعداد را در محاسبات خود لحاظ می‌کنند؟ چرا که به نظر می‌رسد اعداد برآوردی این حوزه، اعداد قابل توجهی هستند. نکته دیگر اینکه هر چند به نظر می‌رسد سیاست تثبیت بانک مرکزی، بخشی از بحران کنونی را حل کرده است، اما یک مطلب را نباید فراموش کرد و آن هم اینکه، اعمال این سیاست با برخی گشایش‌های بین‌المللی هم‌زمان شده و واقعیت این است که در اقتصاد ایران بحث اقتصاد سیاسی بسیار جدی است. همیشه برای خودم این سؤال مطرح است که با وجود سیاست بانک مرکزی و مقامات پولی اگر گشایشی که با عربستان اتفاق افتاد، رخ نمی‌داد، آیا باز هم این نتایج را داشتیم؟ رئیس کل بانک مرکزی گفته است که حوزه اقتصادی و بانکی با حوزه سیاست خارجی هماهنگ است، این اتفاق بسیار خوبی است، اما باید در این شرایط این را هم در نظر گرفت که اگر این گشایش‌ها اتفاق نمی‌افتاد یا دوباره اختلالی در این روابط ایجاد شود، چه بسا این عملکرد هم دیگر قابل مشاهده نباشد.

چالش دیگر نارسایی موجود در قیمت‌های نسبی است که در حوزه‌های پولی و ارزی نیز مشهود است. اینکه ما در یک شرایط تورمی،

نرخ ارز باید پیش‌بینی پذیر شود

پیش‌بینی پذیر کردن نرخ ارز اهمیت بسیار زیادی دارد که بخش عمده آن از بانک مرکزی انتظار می‌رود

تحلیل

امیرحسین مژنی

استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

درست است که در این برهه خاص زمانی سیاست تثبیت یک نظمی به شرایط بازار داده، اما دغدغه‌ای که وجود دارد اثرات انقباضی این سیاست و نحوه ادامه آن است. همان‌طور که رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد، این سیاست اثرات ضد چرخه‌ای دارد. اما از سوی دیگر می‌تواند اثرات چرخه‌ای بر سرمایه‌گذاری داشته باشد و شاید افت شدید تشکیل سرمایه ما با سیاست تثبیت تشدید شود، چرا که جریان سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً وجود ندارد و نظام بانکی هم به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین سرمایه در قالب این سیاست محدود می‌شود و باید در سال‌های آینده در انتظار افت بیشتر تشکیل سرمایه باشیم که مشکلات خاص خود را در پی خواهد داشت.

نکته دیگر اینکه از مطالعاتی که در مورد یک سری شرکت‌ها انجام دادیم، نکات خوبی بدست آمد. تعداد قابل توجهی از

شرکت‌ها می‌گویند ما از دولت معافیت‌های مالیاتی یا حمایت بانکی نمی‌خواهیم، بلکه دولت تضمینی به ما بدهد که نوسانات نرخ ارز در چند سال آینده چگونه خواهد بود. در واقع ثبات برای آنها بسیار مهم است و پیش‌بینی پذیر کردن نرخ ارز اهمیت بسیار زیادی دارد که بخش عمده آن از بانک مرکزی انتظار می‌رود. نکته دیگر اینکه زمانمند بودن سیاست‌هایی که در شرایط حاد اعمال می‌کنیم بسیار مهم است، اگر سیاستی را اعمال می‌کنیم، باید بدانیم بازه اجرای این سیاست، مثلاً ۶ ماهه است یا ۵ ساله.

بانک مرکزی در این سیاست تثبیت باید به این موضوع فکر کند که در افق مثلاً دو ساله قرار است به چه سمتی حرکت کند. نکته مهم دیگر اینکه به نظر می‌رسد برنامه‌ها و سیاست‌های ما عمدتاً در طرف عرضه است و طرف تقاضای ارز به نظر می‌رسد کنترل نشده است، اعداد و ارقامی می‌شنویم که مثلاً یک شرکت نه چندان بزرگ مواد غذایی، یک میلیارد دلار تقاضای ارز داشته است. نمی‌دانم بانک مرکزی کنترلی بر این موضوع دارد یا خیر. اما واقعیت این است که بخش قابل توجهی از تقاضای ارز باید مدیریت شود، بحث دیگر نیز این است که آیا بانک مرکزی برآوردی از تقاضای غیررسمی مانند